

تحلیل وابستگی معیشتی جوامع محلی بختیاری نشین به منابع جنگلی زاگرس مرکزی

بیات‌الله محمودی* - استادیار گروه علوم جنگل، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۷ شهریور ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۳ آبان ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: جوامع محلی به طور سنتی و تاریخی با طبیعت و اجزای ساختاری آن در ارتباط هستند. در این تعامل، نیازهای معیشتی مرتفع و زیست روستایی و عشایری شکل می‌گیرد. تنوع فرهنگی و اجتماعی در جوامع محلی، موجب تنوع در مواجهه و بهره‌گیری از منابع طبیعی می‌شود.
هدف پژوهش: در این مطالعه با استفاده از رویکرد کیفی تحلیل مضمون، تلاش شده است پس از معرفی شهرستان‌های بختیاری نشین در حوزه جنگل‌های زاگرس، مقالاتی که به تحلیل مسائل اجتماعی و اقتصادی جوامع جنگل نشین بختیاری پرداخته‌اند مشخص و در ادامه وابستگی‌های این جوامع به منابع جنگلی معرفی گردد.

روش‌شناسی تحقیق: این مقاله از نوع توصیفی است که با روش کیفی تحلیل مضمون، به تحلیل محتوای آثار پژوهشی مرتبط با موضوع مواجهه جوامع محلی با عناصر جنگلی زاگرس مرکزی پرداخته است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر جوامع محلی بختیاری نشین زاگرس مرکزی می‌باشد.
یافته‌ها و بحث: در مجموع ۱۱ شهرستان بختیاری نشین در داخل یا مجاورت جنگل‌های زاگرس توزیع شده‌اند. از ۱۳ مقاله بررسی شده، ۱۱ مقاله به استان چهارمحال و بختیاری و تنها ۲ مورد به استان لرستان اختصاص دارد. مطابق این بررسی شکل‌های اصلی تقاضا و وابستگی جوامع محلی بختیاری نشین مستقر در درون و مجاور عرصه‌های جنگلی زاگرس مرکزی شامل چوب هبزمی، زراعت زیر اشکوب، چرای دام، استفاده از گیاهان دارویی و خوراکی، برداشت میوه‌های جنگلی، توسعه مسکن روستایی و تفرج است.

نتایج: نکته قابل توجه و عمدتاً مغفول مانده در تحلیل رابطه انسان با جنگل این است که رابطه یاد شده صرفاً فرایندی مکانیکی و ابزارگرایانه نیست که تنها جوامع محلی تنها برای رفع نیازهای خویش به جنگل به چشم منبع تأمین نیازها نگاه کنند، بلکه این رابطه حالت وجودی و هستی‌شناختی دارد که وابستگی مستقیم موجودیت جنگل نشینان به جنگل را تحقق می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: وابستگی معیشتی، منابع جنگلی، زاگرس مرکزی، جوامع بختیاری.

مقدمه

تعامل انسان با طبیعت یک شبکه اکولوژیک کلان را شکل می‌دهد که در آن انسان به عنوان یکی از اجزای طبیعت، خود را محصور در روابط بسیار پیچیده بین موجودات زنده و غیر زنده پیرامون خویش می‌بیند (Botkin & Keller, 2010). بخشی از آنچه به عنوان فرهنگ یاد می‌شود، ماحصل رابطه انسان با طبیعت است. انسان در این رابطه نیازهای مختلف خود را از عناصر طبیعت جستجو می‌کند. در برخی تقسیم‌بندی‌ها از آنجاکه رابطه انسان و طبیعت به طور مشخص در جوامع روستایی دیده می‌شود به رابطه یاد شده فرهنگ بومی در مقابل فرهنگ غالب که زندگی شهری را پوشش می‌دهد، اطلاق شده است (Guha, 1997). منظور از فرهنگ بومی مناسبات عمدتاً معیشتی است که جوامع محلی با اکوسیستم‌های طبیعی دارند. مناسباتی که از بدو حضور انسان در طبیعت بوجود آمدند و در طول تاریخ تا به امروز دچار تحولات عدیده‌ای گشته‌اند (Jahandar, 2017).

جنگل‌ها در مقیاس ملی و بین‌المللی، منافع متعددی دارند. با این حال در مقیاس محلی، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تمام یا بخشی از نیازهای معیشتی و درآمد مردم ساکن در داخل یا اطراف جنگل از این منابع بدست می‌آید که به این نیازها، وابستگی به جنگل گفته می‌شود (Pyhala et al., 2006. Zenteno et al., 2013). بیش از ۱/۶ میلیارد نفر در دنیا به اشکال مختلف به جنگل برای تأمین معیشت وابسته هستند. حدود ۶۰ میلیون نفر از افراد بومی و ساکن در جنگل‌ها تمام نیازهای اولیه و ضروری خود را به طور کامل از منابع جنگلی تأمین می‌کنند، ۳۵۰ میلیون نفر در داخل یا مجاورت جنگل‌های متراکم زندگی می‌کنند که به طور گسترده برای تأمین معیشت و درآمد به این منابع وابسته هستند (FAO, 2020; World Bank, 2001). البته همین وابستگی معیشتی مردم محلی به عرصه‌های جنگلی یکی از دلایل اصلی و عمده تخریب و کاهش سطوح جنگل‌ها در دنیا به شمار می‌رود (FAO, 2010).

اهالی روستاهای مجاور جنگل و نیز عشایر، از گذشته دور از جنگل‌ها بهره‌برداری می‌کرده‌اند. نوع و مقدار این بهره‌برداری‌ها در مناطق مختلف متناسب با شرایط محیطی، امکانات موجود و فرهنگ مردم متفاوت است. درآمد حاصل از منابع محیطی نقش مهمی در معیشت روستایی در کشورهای در حال توسعه دارد. تولیدات جنگلی به طور قابل ملاحظه‌ای به رفاه اقتصادی خانوارهای روستایی کمک می‌کند (Fisher, 2004; Mamo et al., 2007). جنگل‌نشینان و مالکان کوچک که در اطراف جنگل زندگی می‌کنند، از سطح درآمد و توسعه کم-تری نسبت به سایر مردم برخوردار هستند و این موضوع بر میزان و شکل استفاده آن‌ها از منابع جنگلی در این مناطق تأثیر می‌گذارد و گاهی اوقات به تخریب منابع می‌انجامد. برای کشاورزانی که مجاور این عرصه‌ها زندگی می‌کنند، جنگل و مرتع ذخیره‌گاه بزرگ زیستی محسوب می‌شود و از خدمات متنوع آن همچون چوب سوخت، مواد ساخت‌وساز و گیاهان دارویی استفاده می‌کنند (Vedeld et al., 2004). جنگل‌های زاگرس در بیشتر مناطق با جای دادن جمعیت زیادی در خود به یک منبع حیاتی برای امرار معاش تبدیل شده است. به همین دلیل مجموعه‌ای از رابطه‌های مشخص بین جنگل و مردم شکل گرفته است که بر اساس آن تعامل با جنگل صورت می‌گیرد. اثر این رابطه‌ها با توجه به منطقه-های مختلف، نوع زندگی و فرهنگ مردم متفاوت است. در جنگل‌های زاگرس به دلیل نوع زندگی مردم و شرایط سخت زندگی، وابستگی بیشتری نسبت به جنگل‌های دیگر مشاهده می‌شود (Ghazanfari et al., 2004).

فقر موجود در جوامع روستایی زاگرس سبب افزایش وابستگی مردم به عرصه‌های جنگلی و آسیب‌رسانی شدید به ساختار جنگل شده است. جنگلداری و مدیریت جنگل‌های زاگرس، توجه به مسائل اجتماعی و تعامل مردم را می‌طلبد. مدیریتی که باید وابستگی و استفاده مردم محلی از جنگل را به خوبی مورد تحلیل قرار دهد. باید توجه داشت که مردم محلی برای تهیه علوفه، چوب سوخت و تأمین معیشت خود، نوعی مدیریت سنتی از زمین جنگل و فرآورده‌های جنگلی را دنبال می‌کنند. به همین علت این موضوع یکی شاخص‌های مهم و تأثیرگذار بر فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت منابع جنگلی است که لازم است سیاست‌گذاری‌های مناسب و متناسب با آن در مناطق جنگلی اتخاذ شود.

بررسی‌ها در حوزه مسائل معیشت و وابستگی مردم محلی به عرصه‌های جنگلی کشور نشان می‌دهد، توجه و تمرکز طرح‌های جنگلداری و مدیریت جنگل به مسائل اجتماعی جنگل تنها راه مرتفع نمودن تدریجی تخریب جنگل توسط مردم محلی است که این امر در سایه توجه به مشارکت و دخالت موثر مردم در برنامه‌ریزی و اجرای این طرح‌ها است (Eshaghi & Mahmoudi, 2016). در همین راستا در این مقاله تلاش شد، انواع مواجهه و بهره‌گیری‌هایی که جوامع بختیاری‌نشین در حوزه جنگل‌های زاگرس دارند مورد بررسی قرار گیرند.

روش‌شناسی پژوهش

این مقاله از نوع توصیفی است که با روش کیفی تحلیل مضمون، به تحلیل محتوای آثار پژوهشی مرتبط با موضوع مواجهه جوامع محلی با عناصر جنگلی زاگرس مرکزی پرداخته است. روش تحلیل مضمون فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. در واقع تحلیل مضمون راهبرد تقلیل و تحلیل داده است که توسط آن داده‌های کیفی طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی می‌گردند (Braun & Clark, 2006). در این راستا با بررسی پایگاه‌های اطلاعاتی انتشار مقالات علمی-پژوهشی و پایش مقالات مرتبط، در مجموع ۱۳ مقاله برای تحلیل مورد استفاده قرار گرفته است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

بختیاری‌ها از طریق دو شیوه زیست روستایی و عشایری با جنگل‌های زاگرس در ارتباط هستند. شهرستان‌ها و در نتیجه دهستان و روستاهایی که در محدوده رویشگاه جنگلی زاگرس قرار دارند در سه استان چهارمحال و بختیاری، لرستان و خوزستان واقع شده‌اند. در جدول ۱ لیست این شهرستان‌ها آمده است. در مجموع ۱۱ شهرستان بختیاری‌نشین در داخل یا مجاورت جنگل‌های زاگرس قرار دارند. برخی از روستاهای این شهرستان‌ها مواجهه مستقیمی با عرصه‌های جنگلی دارند. در جدول ۲ تعداد روستاهای جنگلی بختیاری‌نشین استان چهارمحال و بختیاری که در درون و یا مجاورت (فاصله یک کیلومتری) عرصه‌های جنگلی مستقر شده آمده است (Mahmoudi, 2020). از تعداد ۸۸۱ روستای بختیاری‌نشین استان، ۴۰۵ روستا به عنوان روستای جنگلی شناخته می‌شوند. تمام گستره‌های جنگلی استان چهارمحال و بختیاری در شهرستان‌های بختیاری‌نشین توزیع یافته‌اند. عرصه‌های جنگلی زاگرس که تحت نفوذ و عرف جوامع بختیاری‌نشین هستند، به عنوان جنگل‌های زاگرس مرکزی در نظر گرفته می‌شوند.

جدول ۱. شهرستان‌های بختیاری‌نشین در محدوده جنگل‌های زاگرس

شهرستان	استان
لردگان - خانمیرزا - کیار - اردل - کوهرنگ	چهارمحال و بختیاری
الیگودرز - دورود	لرستان
ایذه - مسجد سلیمان - اندیکا - باغ ملک	خوزستان

جدول ۲. تعداد روستاهای جنگلی بختیاری‌نشین در شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری

شهرستان	تعداد کل روستا	تعداد روستاهای جنگلی	درصد روستاهای جنگلی شهرستان	درصد روستاهای جنگلی استان
کیار	۷۴	۳۱	۴۱/۹	۷/۶
کوهرنگ	۳۰۵	۵۲	۱۷	۱۲/۸
اردل	۱۲۸	۸۳	۶۴/۸	۲۰/۵
لردگان و خانمیرزا	۳۷۴	۲۳۹	۶۳/۹	۵۹
جمع	۸۸۱	۴۰۵	۴۰	۱۰۰

یافته‌ها و بحث

مطالعات انجام گرفته در روستاهای جنگلی بختیاری‌نشین

جدول ۳ مقالات منتشر شده در مجلات علمی پژوهشی داخل کشور در حوزه مسائل اجتماعی و اقتصادی جنگل در جوامع محلی بختیاری‌نشین را نشان می‌دهد. از ۱۳ مقاله ذکر شده، ۱۱ مقاله به استان چهارمحال و بختیاری و تنها ۲ مورد به استان لرستان اختصاص دارد. عمده مباحث طرح شده در این مقالات در خصوص نوع و میزان وابستگی معیشتی و اقتصادی جوامع جنگل‌نشین به منابع جنگلی است که از روش پیمایش و تکمیل پرسشنامه و انجام مصاحبه برای دست‌یابی به این هدف استفاده شده است. از نظر روش شناختی، رویکرد کمی گرایانه در تحلیل مسائل اجتماعی و اقتصادی مدنظر بوده است که در آن هدف صرفاً شناخت کمیت و میزان وابستگی‌های مردم به جنگل است.

جدول ۳. مشخصات مقالات منتشر شده در حوزه مسائل اجتماعی و اقتصادی جنگل در جوامع بختیاری نشین

ردیف	عنوان مقاله	نویسندگان	محل انتشار	سال انتشار	استان
۱	توان جنگل‌های استان چهارمحال و بختیاری در زمینه تولید بذر بنه و اثر اقتصادی آن بر زندگی جنگل نشینان	جهانبازی و همکاران	تحقیقات جنگل و صنوبر ایران	۱۳۸۵	چهارمحال و بختیاری
۲	ارزیابی پایداری جنگل تحت تاثیر جنگلداری عشایری (مطالعه موردی: منطقه شول‌آباد لرستان)	عادلی و همکاران	تحقیقات جنگل و صنوبر ایران	۱۳۸۷	لرستان
۳	فقر روستایی و تخریب محیط زیست (مطالعه موردی: روستاهای سرخون و بیدله از توابع استان چهارمحال و بختیاری)	فیروزآبادی و عظیم زاده	توسعه روستایی	۱۳۹۱	چهارمحال و بختیاری
۴	بررسی اثربخشی دوره‌های آموزشی-ترویجی بر کاهش تخلفات مرتبط با منابع طبیعی و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی: شهرستان‌های اردل و کیار در استان چهارمحال و بختیاری)	طهماسبی و همکاران	مجله جنگل ایران	۱۳۹۱	چهارمحال و بختیاری
۵	بررسی مسائل اجتماعی اقتصادی جنگل‌های سامان عرفی کلگی زاگرس در چهارمحال و بختیاری	ایمانی راستابی و همکاران	اکوسیستم‌های طبیعی ایران	۱۳۹۲	چهارمحال و بختیاری
۶	ارزیابی نمایه‌ها و نشانه‌های اجتماعی-اقتصادی در پایش طرح جنگلداری کلگی لردگان	ایمانی راستابی و همکاران	تحقیقات جنگل و صنوبر ایران	۱۳۹۴	چهارمحال و بختیاری
۷	ارزیابی فرایند پایداری در سطوح محلی مطالعه موردی: ناحیه عرفی منج در شهرستان لردگان	محمودی و همکاران	محیط زیست طبیعی	۱۳۹۴	چهارمحال و بختیاری
۸	عوامل موثر بر مشارکت روستاییان جنگل نشین در مدیریت جنگلهای اشرانکوه در شهرستان دورود	درمیانی و همکاران	علوم محیطی	۱۳۹۴	لرستان
۹	وابستگی اقتصادی خانوارهای جنگل‌نشین به منابع جنگلی در شهرستان لردگان	اسحاقی و همکاران	مجله جنگل ایران	۱۳۹۶	چهارمحال و بختیاری
۱۰	تحلیل وابستگی جوامع محلی به گیاهان دارویی و خوراکی در ناحیه عرفی سردشت شهرستان لردگان	اسحاقی و محمودی	اکوسیستم‌های طبیعی ایران	۱۳۹۴	چهارمحال و بختیاری
۱۱	ارزیابی نقش آبگرمکن‌های خورشیدی در کاهش مصرف چوب سوخت جنگل نشینان زاگرس مرکزی	محمودی و اسحاقی	فصلنامه پژوهش و توسعه جنگل	۱۳۹۸	چهارمحال و بختیاری
۱۲	ارزیابی تقاضای مصرف چوب هیزمنی خانوارهای جنگل نشین زاگرس مرکزی، بررسی موردی: شهرستان لردگان	اسحاقی و همکاران	پژوهش و توسعه جنگل	۱۳۹۸	چهارمحال و بختیاری
۱۳	تحلیل نگرش و رفتار زیست محیط گرایانه جوامع عشایری پس از اجرای طرح مدیریت مشارکتی جنگل و مرتع نمونه مطالعه: بخش بازت استان چهارمحال و بختیاری	مهدوی و همکاران	جغرافیا و برنامه ریزی محیطی	۱۳۹۸	چهارمحال و بختیاری

شکل‌های مواجهه جوامع بختیاری نشین با جنگل

بررسی مقالات معرفی شده نشان می‌دهد، جوامع محلی بختیاری نشین در مواردی چون مصرف چوب هیزمنی، زراعت زیر اشکوب، چرای دام، استفاده از گیاهان دارویی و خوراکی، برداشت میوه‌های جنگلی، توسعه مسکن روستایی و تفرج با جنگل‌های زاگرس مرکزی مواجهه پیدا می‌کنند. در واقع شکل‌های اصلی تقاضا و وابستگی جوامع محلی درون و مجاور عرصه‌های جنگلی در زاگرس مرکزی موارد یاد شده را شامل می‌شود.

- چوب هیزمنی

چوب هیزمنی بلوط در دو بخش مصرف سوختی و مصرف غیر سوختی مورد استفاده جنگل نشینان بختیاری قرار می‌گیرد. در مصرف سوختی ۶ مورد شامل گرم کردن آب، پخت نان، بخاری، طبخ غذا، گرم کردن شیر و دوغ و زغالگیری شکل‌های استفاده هستند و در مصرف غیر سوختی چوب هیزمنی برای خانه سازی، ابزار کشاورزی، ساخت انبار و طوبله، حصارکشی، سرشاخه برای دام و برداشت هیزمن برای فروش

مورد استفاده و بهره برداری قرار می گیرد. در واقع در مجموع ۱۲ نوع استفاده از چوب هیزمی در روستاهای جنگلی بختیاری نشین دیده می شود.

بررسی انجام شده توسط ابراهیمی (۱۳۶۷) نشان داد تعداد ۱۸۸۳۰ خانوار در استان جهت تأمین سوخت از چوب هیزمی استفاده نموده که متوسط مصرف سرانه هر خانوار ۲۶ متر مکعب بوده است (Ebrahimi, 1988). جلالی (۱۳۹۶) با بررسی خانوارهای ۵۴ روستای شهرستان لردگان در دهستان های فلارد، پشتکوه فلارد، خانمیرزا، ارمند، میلاس، سردشت، ریگ، منج و بارز، میزان مصرف هزینه تنه و سرشاخه درختان جنگلی برای هر رستا را به ترتیب ۵/۴۵ و ۱/۹ تن در سال برآورد نموده است (Jalali, 2017). مطابق این بررسی سالانه در مجموع این ۵۴ روستا ۲۸۸۴۵ تن چوب جنگلی مصرف می شود. اسحاقی و محمودی (۱۳۹۸) میزان مصرف چوب هیزمی در روستاهای ناحیه عرفی سردشت شهرستان لردگان را مورد بررسی قرار داده اند. مطابق این بررسی به طور متوسط سالیانه ۱۸/۰۸ مترمکعب چوب بلوط برای استفاده در ۱۲ مصرف نامبرده شده به کار می رود (جدول ۴). از این میزان ۵۴ درصد آن صرف مصارف سوختی و مابقی (۴۶ درصد) صرف مصارف غیرسوختی می شود. در واقع سالانه ۹/۸۰ متر مکعب چوب در هر خانوار جهت مصارف سوختی مصرف می شود (Eshaghi & Mahmoudi, 2019).

جدول ۴. وضعیت مصارف مختلف چوب در هر خانوار در سال

مصارف چوب	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
گرم کردن آب	۰/۲۷	۰	۱۲	۱/۴۲
پخت نان	۰/۵۵	۰	۲۴	۲/۷۵
بخاری	۰/۸۲	۰	۶۰	۵/۸۳
طبخ غذا	۴/۲۷	۰	۵۴	۵/۷۴
گرم کردن شیر و دوغ	۰/۱۹	۰	۶	۰/۷۲
ابزار کشاورزی	۰/۰۰۳	۰	۰/۰۵	۰/۰۰۴
خانه سازی	۰/۰۰۹	۰	۰/۷۵	۰/۰۷
ساخت انبار و طویله	۰/۱۰	۰	۲/۵	۰/۳۳
حصار کشی	۰/۰۶	۰	۱/۲۵	۰/۱۸
سرشاخه برای دام	۲/۵۱	۰	۲۰	۴/۶۲
تهیه زغال	۳/۷۰	۰	۷۵	۹/۷۷
برداشت هیزم برای فروش	۵/۶۰	۰	۱۵۰	۱۸/۰۹

مطالعه انجام گرفته در سامان عرفی گلگچی در شهرستان لردگان (Imani Rastabi et al., 2015) نشان می دهد ۷۴/۶ مردم وابستگی شدیدی به جنگل از طریق برداشت چوب، کشت زیراشکوب، تهیه چوب برای مصالح ساختمانی و چرای دام دارند محمودی (۱۳۹۴) میزان مصرف چوب هیزمی در ناحیه عرفی منج- بیدله شهرستان لردگان را مورد بررسی قرار داده است. مطابق این بررسی میانگین مصرف چوب در قسمت چوب سوختی، زغال گیری و حصار کشی به ترتیب ۴/۷، ۰/۹ و ۰/۰۶ متر مکعب در سال برای هر خانوار است. به عبارتی دیگر ۸۴ درصد مصرف چوب سالانه در این ناحیه به صورت چوب سوخت، ۱۵ درصد مصرف جهت زغال گیری و ۱ درصد هم برای عملیات حصار کشی در اطراف مزارع، باغات، حیاط و دیوار خانه ها است. در جدول ۱۸ میانگین و مصرف مجموع در هر کدام از سامان های عرفی منج، ده سوخته، بیدله، کلواری، قلعه سومه، آبیدک و مشکدوزان آمده است. بر این اساس سالانه ۰/۴ مترمکعب در هر هکتار چوب هیزمی مصرف می شود (Mahmoudi, 2015). به طور متوسط می توان گفت سالانه در خانوارهای روستایی بختیاری نشین، حدود ۱۷ مترمکعب چوب هیزمی درخت بلوط مورد استفاده قرار می گیرد.

بر اساس اطلاعات بدست آمده از نتایج تفصیلی نقاط روستایی منطقه بازفت در سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۶۵ بیشترین منبع سوختی که توسط روستائیان مورد جهت و پز مورد استفاده قرار گرفته است هیزم و زغال چوب بود. پس از آن گاز و نفت در مرحله بعدی قرار می گیرد. که بعلت محدودیت های فراوان موجود در منطقه کمتر از آنها استفاده می شد. برای ایجاد گرمایش نیز هیزم نقش اصلی را دارا بود. مصرف متوسط روزانه یک خانوار روستایی حدود ۴۰ کیلوگرم هیزم برآورد شد. البته همین میزان را کمی کمتر در مورد خانوارهای عشایری نیز می توان تعمیم

داد. بر اساس سرشماری در سال ۱۳۶۶، ۵۵/۶ درصد از خانوارهای عشایری بازفت برای ایجاد گرما فقط از هیزم و ۲۱/۳ درصد از هیزم و سایر سوخت‌ها و همچنین ۲۱/۳ درصد خانوارها نیز از هیزم و نفت استفاده می‌کردند. به عبارت دیگر ۹۸/۲ درصد از کل خانوارهای عشایری منطقه سوخت اصلی شان برای ایجاد گرما از طریق هیزم بود. بر این اساس هر خانوار عشایری روزانه بر اساس نوع غذا، بعد خانوار و احتمال پخت نان از ۲۰ تا ۵۰ کیلوگرم هیزم استفاده می‌کرد. درصد انواع سوخت مصرفی در دوره های بیلاقی و قشلاقی جمعیت عشایری استان بر اساس سرشماری عشایر کشور در سال ۱۳۸۷ در جدول ۵ آمده است. مطابق این جدول بیش از ۹۳ درصد مصرف سوختی عشایر برای پخت پز در زمان بیلاقی و بیش از ۷۵ درصد برای ایجاد گرما از هیزم و زغال استفاده می‌کنند. این میزان مصرف در دوره قشلاق به حدود نصف می‌رسد. این موضوع نشان از وابستگی بسیار شدید زندگی عشایری استان به چوب هیزمی در مناطق بیلاقی است (Mahmoudi, 2020).

جدول ۵. سوخت مصرفی جمعیت عشایری استان به درصد

دوره استقرار	نوع استفاده	هیزم و زغال	سوخت حیوانی	نفت و گازوئیل	گاز	سایر سوخت‌ها
بیلاقی	پخت و پز	۹۳/۳	۰/۲	۱/۱	۳/۹	۲/۴
	ایجاد گرما	۷۵/۲	۱	۳/۵	۰/۹	۱/۷
قشلاقی	پخت و پز	۴۹	۰/۲	۱۹	۳۱/۸	۰/۱
	ایجاد گرما	۳۰/۶	۰/۶	۴۳/۷	۲۲	۳

- زراعت زیر اشکوب

زراعت در زیراشکوب جنگل، شایع‌ترین نوع فعالیت زارعی است که در جنگل‌های زاگرس دیده می‌شود. کشاورزی در جوامع محلی بختیاری نشینی که در درون یا مجاورت عرصه‌های جنگلی زندگی می‌کنند، عمدتاً به شکل زراعت دیم در زیر اشکوب جنگل است. در اراضی جنگلی هموار و نیمه هموار به طور گسترده‌ای زراعت در جنگل دیده می‌شود. این فعالیت در کنار چرای دام از قدیمی‌ترین استفاده‌ای است که جوامع محلی از جنگل‌های مجاور روستاها و حتی در مناطق دوردست مناطق مسکونی خویش داشته و دارند. زراعت زیر اشکوب جنگل اغلب با کشت گندم، جو، عدس و نخود صورت می‌گیرد.

ارزیابی مساحت زراعت زیر اشکوب در سامان‌های عرفی حوزه شمالی رودخانه منج شهرستان لردگان نشان داد سطح زراعت زیر اشکوب جنگل در سال ۱۳۳۴، ۳۳/۴ هکتار، در سال ۱۳۴۶، ۹۹/۴۵ هکتار، در سال ۱۳۷۶، ۲۲۶/۱ هکتار و در سال ۱۳۹۶، ۳۱۲/۷ هکتار بوده است. به این معنی که در فاصله سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۹۶، ۲۷۹/۳ هکتار به سطح زراعت زیر اشکوب جنگل در منطقه اضافه شده است. مطالعه وضعیت زراعت در ناحیه عرفی منج بیدله نشان داد وسعت زراعت زیر اشکوب در این ناحیه عرفی ۱۶۸۸ هکتار و معادل ۹/۷ درصد منطقه استو زراعت در جنگل منطقه شامل کشت دیم گندم، جو، عدس و نخود است. مطابق جدول ۱۵۷۱/۶ هکتار از عرصه‌های جنگلی به شکل غیر قانونی مورد تجاوز قرار گرفتند و به زراعت زیر اشکوب تبدیل شده‌اند (Mousavi Vardanjani, 2015).

- چرای دام

معیشت غالب جوامع محلی در مناطق جنگلی چه در قالب زیست عشایری و چه زیست روستایی، دامداری به شکل سنتی آن است. در واقع دامداری سنتی در عرصه‌های جنگلی به دو صورت دامداری روستایی و عشایری قابل تفکیک است. در دامداری سنتی روستایی در تمام طول سال چرای دام در محدوده‌های عرفی مناطق روستایی انجام می‌شود.

وضعیت توزیع دام در سامان‌های ناحیه عرفی منج- بیدله شهرستان لردگان در جدول آمده است (Mahmoudi, 2015). در مجموع ۱۰۱۸ رأس گوسفند و ۴۹۷۰ رأس بز در این ناحیه عرفی وجود دارد (جدول ۶). حدود ۱۰ درصد از دامدارهای سامان‌های آیدک، قلعه سومه، کلواری و ده سوخته (دامدارهای با بیش از ۱۵۰ رأس دام) از اوایل اردیبهشت تا اوایل آبان ماه به مناطق بیلاقی شهرستان لردگان (خارج از ناحیه عرفی) کوچ می‌کنند. دامدارهای سامان‌های عرفی منج، مشکدوزان و بیدله در این زمان در ارتفاعات سامان عرفی خود مستقر می‌شوند.

جدول ۶. تعداد دام سبک در سامان های عرفی جنگلی شهرستان لردگان

سامان عرفی	گوسفند	بز	جمع	میانگین تعداد دام - خانوار
منج	۲۵۰۰	۱۱۰۰	۳۶۰۰	۹
ده سوخته	۵۵۰	۲۵۰	۸۰۰	۱۳
بیدله	۲۶۰۰	۱۵۰۰	۴۱۰۰	۸
کلواری	۹۰۰	۳۵۰	۱۲۵۰	۵۵
قلعه سومه	۳۸۰	۱۲۰	۵۰۰	۱۵
آبیدک	۱۸۰۰	۱۰۰۰	۲۸۰۰	۱۵
مشکدوزان	۱۴۵۰	۶۵۰	۲۱۰۰	۱۶
جمع	۱۰۱۸۰	۴۹۷۰	۱۵۱۵۰	۱۱

- گیاهان دارویی و خوراکی

در نواحی جنگلی زاگرس مرکزی گروه متنوعی از گیاهان دارویی و خوراکی مورد استفاده روستانشین ها و عشایر قرار می گیرد. به طور سنتی از گیاهان دارویی برای پیشگیری و درمان بسیاری از بیماری ها به خصوص بیماری های گوارشی استفاده می شود. از جمله این گیاهان می توان به آویشن، بومادران، گل گاوزبان، درمنه، و مریم نخودی نام برد. همچنین از گیاهانی چون تره، بن سرخ، کاردین، کاسنی، غازیاغی و کنگر برای خوراک مورد استفاده است. اسحاقی و محمودی (۱۳۹۶) در مطالعه ای در ناحیه عرفی سردشت لردگان ۲۱ گیاه دارویی و خوراکی پر مصرف در این منطقه را معرفی کردند. مطابق این بررسی ۷۲/۳ درصد خانوارها از گیاهان دارویی و ۸۶/۵ درصد آنها از گیاهان خوراکی استفاده می کنند. بیشترین مصرف گیاهان دارویی مربوط به گل عسلی رنگین و برابر ۶/۳۴ کیلوگرم برای هر خانوار در طول سال می باشد. بیشترین برداشت گیاهان خوراکی را تره با برداشت سالانه ۹ کیلوگرم به خود اختصاص داده است. بین مجموع گیاهان دارویی و خوراکی، خوشاریزه کوهستانی با متوسط برداشت ۰/۰۴ کیلوگرم در سال کمترین مقدار را دارد.

- بذر و میوه های جنگلی

از دیگر استفاده هایی که از جوامع محلی از جنگل های دارند جمع آوری، مصرف و فروش بذر و میوه های جنگلی است. بذر و میوه های درختانی چون بلوط، بنه، بادام، خنجوک، زالزالک، زرشک، محلب و انجیر، مورد استفاده است. بذر و میوه های برداشت شده هم جهت تغذیه مورد استفاده قرار می گیرند هم به عنوان منبع درآمدی خرد، در معیشت جنگل نشینان نقش دارد. متوسط برداشت سالانه بذر و میوه های جنگلی برابر ۴۰/۱۴ کیلوگرم برای هر خانوار است (Eshaghi & Mahmoudi, 2017).

- مناطق مسکونی

با ایجاد و توسعه مسکن روستایی و همچنین برپایی سیاه چادرهای عشایری در جنگل، در عمل اکوسیستم های جنگلی به مثابه زیستگاهی برای جوامع محلی در نظر گرفته می شوند. در این شرایط است که جنگل و عناصر آن، حس تعلق مکانی را در مردم بوجود می آورد و این موضوع باعث خلق پیوندی وجودی بین ساکنین و جنگل به عنوان محل زندگی خلق می شود. به همین دلیل جنگل دیگر صرفاً یک اکوسیستم طبیعی تلقی نمی شود بلکه هویتی اجتماعی و فرهنگی به خود می گیرد.

- تفرج جنگلی

جاذبه های بصری و موقعیتی عرصه های جنگلی، فرصت استفاده تفرجی را برای جوامع محلی فراهم می سازد. اگر چه این استفاده برای روستاها و شهرهای دور و نزدیک به جنگل بیشتر به چشم می آید، اما خود جنگل نشینان نیز از مواهب و جاذبه های طبیعی جنگل مانند چشمه، آبشار، رودخانه، درختان قطور و چشم انداز جنگلی بهره می برند. علاوه بر آن گاهی جاذبه های تاریخی و فرهنگی در جنگل، جاذبه اصلی یا مکمل جاذبه های طبیعی در ایجاد تقاضای تفرجی است.

نتیجه‌گیری

اقوام لر، بختیاری، لک، کرد و ترک عمده‌ترین شکل دهنده زیست انسانی در گستره زاگرس هستند. همانطور که اشاره شد محدوده زاگرس مرکزی در اختیار قوم بختیاری قرار دارد. تحقیقات باستان‌شناسی در زاگرس مرکزی نشان می‌دهد قدمت سکونت در این منطقه به ۴۰ تا ۶۰ هزار سال قبل بر می‌گردد و حتی شواهدی از زیست انسان‌های نئاندرتال در زاگرس وجود دارد. سابقه زیست باستانی و کهن انسان در زاگرس مرکزی نشان می‌دهد، قدمت حضور انسان حتی از شکل امروزی جنگل‌های زاگرس که قدمت آنها به کمتر از ۱۲ هزار سال تخمین زده می‌شود، بیشتر است. در واقع زیست و پیوند انسانی با ساختار طبیعی و اکوسیستمی زاگرس مرکزی قدمتی چند ده هزار ساله دارد. لذا برای شناخت دقیق پیوند و زیست کنونی بختیاری نشین‌ها با جنگل، نیازمند تحلیل تاریخی عمیق مبتنی بر مطالعات فرهنگی و تاریخی است. نشانه‌های فعلی وابستگی و تعامل مردم محلی با جنگل صرفاً بخش بسیار کوچک و نمایانی از عمق و حجم بسیار گسترده از تعاملات فرهنگی و اجتماعی جوامع محلی با جنگل در بستر تحولات تاریخی و حتی باستانی است. بر این اساس به غایت ساده انگارانه است که اگر از تعامل انسان و جنگل در جوامع محلی چون بختیاری نشین‌ها صحبت به میان آید اما صرفاً نگاهها معطوف به کمیت رابطه‌هایی باشد که به وابستگی مردم به جنگل تعبیر می‌شود. اینکه چه میزان برداشت چوب هیز می‌انجام می‌شود و چه وسعتی زراعت زیر اشکوب در پهنه جنگل دیده می‌شود و یا تعداد دامهای حضور یافته در اراضی جنگلی چه تعداد است، کمک چندانی به فهم رابطه و تعامل بین جوامع محلی و جنگل نمی‌کند. کاری که در مقالات و مطالعات معرفی شده مدنظر بوده است. در واقع نگاه کمی به شکل‌های وابستگی مردم به جنگل، تنها قادر است سطح روبه و عیان این رابطه را هویدا کند و از عمق و گستردگی آن اطلاعاتی به دست نمی‌دهد. رابطه مردم با جنگل یک رابطه صرفاً مکانیکی و ابزارگرایانه نیست که تنها برای رفع نیازهای خود به جنگل به چشم منبع تأمین این نیازها نگاه شود، بلکه این رابطه حالت وجودی و هستی‌شناختی دارد که وابستگی مستقیم موجودیت جنگل نشینان را تحقق می‌بخشد.

در واقع در اغلب مطالعات و بررسی‌هایی که به تشریح وضعیت و راهکارهای مدیریت گستره‌های جنگلی پرداخته می‌شود، از منظر جنگل و ویژگی‌های ساختاری و مدیریتی آن به جوامع انسانی وابسته به اراضی جنگلی تمرکز شده است. به این معنی که جنگل به عنوان اکوسیستمی دیده می‌شود که انسان به مثابه مداخله‌گر و از عوامل تخریب آن شناخته می‌شود. گاهی در برخی از تحلیل‌های اقتصادی صرف دیده می‌شود که منابع جنگلی را کاملاً در اختیار بهره‌برداری انسانی قرار می‌دهند و از اینکه این منبع در جهت رفع نیازهای انسانی به بهانه حفظ محیط زیست برای نسل‌های آتی به کار نرود، نقدهایی وارد می‌شود. اما از دیدگاه کلان‌تر و نگاه فرهنگی به تعامل انسان و جنگل، سوای اینکه این تعامل به نفع کدامیک جریان پیدا کند و یا اساساً منفعت دو طرفه‌ای را موجب می‌شود، صرفاً به تحلیل آنچه در واقعیت بین انسان و جنگل در حال گذشتن است می‌پردازد. در این نگاه بر خلاف دیدگاه مدیریتی جنگل، اینکه چه مردمی با چه ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی در تعامل با عناصر جنگلی هستند بسیار اهمیت پیدا می‌کند. در عمده تحقیقات موجود در خصوص رابطه انسان ایرانی و جنگل، کمتر این رابطه به ویژگی‌های قومی و فرهنگ بومی متمرکز شده است. اینکه جوامع محلی با نژادهای قومی متفاوت، چه نوع فرهنگ تعاملی را با جنگل و عناصر ساختاری آن در طول سالیان دراز شکل داده‌اند و امروزه در حال بروز و ظهور آن هستند.

از طرف دیگر تعداد مطالعات و مقالات در همین رویکرد کمی هم بسیار اندک و محدود است و از نوع و میزان وابستگی جوامع بختیاری نشین به جنگل در استان‌های لرستان و به خصوص خوزستان اطلاعاتی در دسترس نیست. همچنین در بسیاری از بخش‌ها و شهرستان‌های جنگلی استان چهارمحال و بختیاری این بررسی صورت نگرفته است. بنابراین اطلاعات کامل و همه‌جانبه‌ای از میزان و نوع وابستگی و بهره‌برداری سنتی مردم از جنگل در جوامع بختیاری نشین وجود ندارد و لذا نیاز است تا محققان علاقه‌مند به این حوزه ورود داشته باشند و با انجام مطالعات و طرح‌های پژوهشی این خلاء اطلاعاتی را پوشش دهند. حتی نیاز است این اطلاعات به طور دوره‌ای مورد پایش و ارزیابی قرار گیرد تا روند تغییرات و تحولات در این حوزه مستندسازی و تحلیل گردد. در بین جوامع بختیاری نشین حتی در مقیاس شهرستانی، تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی و اجتماعی زیادی مشاهده می‌شود که لازم است رابطه بین تنوعات و تعاملی که بین مردم و گروه‌های اجتماعی مختلف با جنگل وجود دارد مورد تحلیل قرار گیرد. در رویکرد مطالعات و مقالات موجود که به آنها اشاره شده است، نگاه فرهنگی به مناسبات افراد با عناصر جنگلی وجود ندارد. اینکه چگونه بسترهای فرهنگی موجود موجب شکل‌گیری انواع وابستگی‌ها شده است. نگاه مصرف‌زده به انسان و نگاهی فیزیکی و منبع‌گون به جنگل قادر نیست تعاملات بین مردم و جنگل را تشریح نماید. لذا محققان حوزه علوم جنگل و منابع طبیعی و محیط زیست برای فهم پذیر کردن این مناسبات، ناگزیرند که رویکردی میان‌ و فرارشته‌ای به موضوعات اجتماعی منابع طبیعی داشته باشند و از رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی به طور جدی بهره‌گیرند.

منابع

- Adeli, K., Jalilvand, H., Yakhkeshi, A., Fallah, A. (2008). Evaluating of forest sustainability affected by tribal forestry (Case study: Shoul Abad-Lorestan, Iran). *Iranian Journal of Forest and Poplar Research*, 16(1), 37-23.
- Botkin, D. B., & Keller, E. A. (2010). *Environmental science: Earth as a living planet*. Wiley Global Education.
- Braun, V., & V. Clark. (2006). Using thematic analysis psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2): pp 77-101.
- Dramiani, N., Kiadaliri, H., Bijani, M., Veisanloo, F. (2015). Affecting Factors on Participation of Forests Rural Dwellers toward Oshtorankoo Forests Management in Doroud Township, Iran. *Environmental Sciences*, 13(3), 51-62.
- Ebrahimi, R. (1988). Sardasht, Bidleh, Chigo and Manj forestry projects in Lordegan Township.
- eshaghi milasi, F., Mahmoud, B., yarali, N. (2017). Economic dependencies of Forest dwellers on forest resources of Central Zagros in Lordegan City. *Iranian Journal of Forest*, 9(2), 289-300.
- Eshaghi, F., & Mahmoudi, B. (2016). An analysis of research in the field of livelihood of local forest communities in Iran. *Ninth Congress of Pioneers of Progress*, Tehran.
- Eshaghi, F., Mahmoudi, B. (2019). Assessment of the Role of Solar Water Heaters in Reducing Fuel Wood Consumption for Forest Dwellers in Central Zagros. *Journal of Forest Research and Development*, 5(2), 277-292. doi: 10.30466/jfrd.2019.120728
- Eshaghi, F., Mahmoudi, B. (2019). Demand of wood consumption in forest dwellers of central Zagros, case study: Sardasht customary Region, Lordegan Township. *Journal of Forest Research and Development*, 5(4), 613-627. doi: 10.30466/jfrd.2019.120798
- FAO. (2010). *Developing effective forest policy, a guide*.
- FAO. (2020). *The State of the World's Forests: Forests, biodiversity and people*.
- Firouzabadi, S., Azimzadeh, D. (2013). Poverty and the environment The case study in Sarkhoon and Bidele in Chahrmahal Va Bakhtiari Province. *Community Development (Rural and Urban Communities)*, 4(2), 99-120. doi: 10.22059/jrd.2013.30288
- Fisher M. 2004. Household welfare and forest dependence in Southern Malawi, *Environment and Development Economics*, 9(2): 135–154.
- Ghazanfari, H., Namirani, M., Sobhani, H., & Mohajer, R. M. (2004). Traditional forest management and its application to encourage public participation for sustainable forest management in the northern Zagros Mountains of Kurdistan Province, Iran. *Scandinavian journal of forest research*, 19(S4), 65-71.
- Guha, R. (1997). Social-ecological research in India: a 'status' report. *Economic and Political Weekly*, 345-352.
- Imani Rastabi, M., Jalilvand, H., Zandebasiri, M. (2015). Assessment of socio-economic criteria and indicators in monitoring of Kalgachi lordegan forest management plan. *Iranian Journal of Forest and Poplar Research*, 23(2), 199-208.
- Jahanbazi, H., Iranmanesh, Y., Talebi, M. (2006). Seed production potential of pistachio forests of Chaharmahal va Bakhtiari province and its economical effects on dwellers welfare. *Iranian Journal of Forest and Poplar Research*, 14(2), 167-159.
- Jahandar, N. (2017). *Human, nature and architecture*. Asre Kankash Press, 163p.
- Jalali, A.M., (2017). Study of CO2 emission caused by firewood consumption of forest villagers in Lordegan city of Chaharmahal and Bakhtiari province. *Master Thesis in Environmental Sciences*, Research Sciences Branch, Azad University, 70 p.
- Mahdavi, D., Sojasi, H., Mahmmodi, H. (2019). Analyzing Environmental Attitudes and Behavior of Nomadic Communities after the Implementation of Participatory Management Plan for Forest and Rangeland. *Geography and Environmental Planning*, 30(2), 135-156. doi: 10.22108/gep.2019.118113.1174
- Mahmoudi, B. (2020). *An introduction to recognizing the forests of Chaharmahal and bakhtiari province*. Jahad Daneshgahi Press.
- Mahmoudi, B., eshaghi milasi, F. (2017). Dependence Analysis of local Communities on Medicinal and Edible Plants Harvesting in Sardasht Customary Region in Lordegan Township. *Natural Ecosystems of Iran*, 8(1), 65-78.
- Mahmoudi, B., Fegghi, J., Makhdoum, M., Aatefi Hemat, M. (2015). Sustainability Assessment Process at the Local Level Based on IUCN Approach (Case Study: Mondje Customary Region in Lordegan Township). *Journal of Natural Environment*, 68(4), 653-663. doi: 10.22059/jne.2015.56937
- Mamo G. Sjaastad E. and Pal V. 2007. Economic dependence on forest resources: A case from Dendi District, Ethiopia. *Original. Forest Policy and Economics*, 9(8): 916-927.

- Mousavi Vardanjani, Z., (2017). Modeling of forest degradation using remote sensing (Case study: forests of Manj section in Lordegan city). *Master Thesis in Forestry*, Shahrekord University. 68 p.
- Pyhala, A., Brown, K. and Ader, W.N. (2006). Implications of livelihood dependence on non-timber products in Peruvian *A MAZONIA. Ecosystem*, 9(8): 1328-1341.
- Tahmasebi, P., Tavakoli, R., Eydi, M., and Yarali, N. (2012). An investigation on the effectiveness of extension and education programs on the reduction of illegal activities crimes related to natural resources and related factors (Case study: Ardal and Kiar in Chaharmahal-o-Bakhtiari province). *Iranian Journal of Forest*, 4(3), 253-263.
- Vedeld, P., Angelsen, A., Bojö, J., Sjaastad, E., and Berg, G. K. 2004. Forest environmental incomes and the rural poor. *Forest Policy and Economics*, 9(7), 869-879.
- World Bank.(2001). A revised Forest Strategy for the World Bank Group. Washington D. C. World Commission on Environment and Development (WCED), 1987, Our Common future, Oxford University Press.
- Zenteno, M., Zuidema, P. A., de jong, W. and Boot, R.G.A.(2013). Livelihood strategies and forest dependence: New insights from Bolivian forest communities. *Forest Policy and Economics*, 26: 12- 21.

How to Cite:

Mahmoudi, Beytollah. (2022). Livelihood Dependence Analysis of Local Bakhtiari communities on the Forest Resources of Central Zagros. *Studies of Nomads Area Plannig*, 1(2), 39-48.

ارجاع به این مقاله:

محمودی، بیت‌الله. (۱۴۰۰). تحلیل وابستگی معیشتی جوامع محلی بختیاری نشین به منابع جنگلی زاگرس مرکزی. *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۱(۲)، ۳۹-۴۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



Review Article

Livelihood Dependence Analysis of Local Bakhtiari communities on the Forest Resources of Central Zagros

Beytollah Mahmoudi* - Assistant Professor, Department of Forest Sciences, Faculty of Natural Resources and Earth Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Receive Date: 18 September 2021

Accept Date: 14 November 2021

ABSTRACT

Introduction Local communities have traditionally and historically been associated with nature and its structural components. In this interaction livelihood needs are met and rural and nomadic life is formed. Cultural and social diversity in local communities leads to diversity in the exposure and use of natural resources.

Purpose of the research: In this study using the qualitative approach of content analysis, after introducing Bakhtiari Townships in the Zagros forests, paper that have analyzed the social and economic issues of Bakhtiari forest communities have been identified and then introduce the type of dependencies on forest resources.

Methodology This article is a descriptive article that uses the qualitative method of content analysis to analyze the content of research works related to the topic of exposure of local communities to the forest elements of the Central Zagros.

Geographical area of research The geographical area of the present study is the local Bakhtiari communities of the Central Zagros.

Results and discussion A total of 11 Bakhtiari townships are located in or adjacent to the forests of the Zagros. Out of 13 papers reviewed, 11 papers are dedicated to Chaharmahal and Bakhtiari province and only 2 cases are dedicated to Lorestan province. According to this study, the main forms of demand and dependence of local Bakhtiari communities located in and adjacent to the forest areas of Central Zagros, including firewood, under floor farming, livestock grazing, use of medicinal and edible plants, harvesting forest fruits, rural housing development and outdoor recreation.

Conclusion A noteworthy and largely overlooked point in the analysis of the human relationship with the forest is that the relationship is not merely a mechanical and instrumentalist process that only local communities look at the forest as a source of supply only to meet their needs, but this relationship existential and It has an ontology that realizes the direct dependence of the existence of forest dwellers on the forest.

KEYWORDS: Livelihood Dependence, Forest Resources, Central Zagros, Bakhtiari Communities.